

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال نهم شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۶ (صص ۶۲-۴۵)

معرفی و شناسایی مهاجران گیلانی هند، با تکیه بر دکن (۱۷۰۰-۱۴۰۰ م)

۲- ساسان طهماسبی

۱- جلال جعفرپور

چکیده

در فاصله زمانی قرن پانزدهم تا هجدهم میلادی گروه‌های مختلفی از جمله شعرا، صوفیان، علما و دانشمندان ایرانی راهی هند شده و منشا خدمات شایانی در شبه قاره هند گردیدند. تحولات سیاسی گیلان در دوران صفوی بویژه دوره شاه تهماسب و شاه عباس اول سبب شد تا گروهی از بزرگان این خطه راهی دیار مهاراجه‌ها شوند. این تحقیق تلاش دارد در کنار شناسایی اجمالی ۳۷ نفر از مهاجران گیلانی شمال هند به معرفی ۱۵ نفر از مهاجران گیلانی دکن، بخصوص محمود گاوان وزیر شیعی و قدرتمند دوره بهمنیان، پرداخته و نقش آنان در دولت‌های مسلمان فارسی زبان دکن را مورد بررسی قرار دهد. سفر محققان به جنوب هند و استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به کارگیری اسناد و مدارک مبنای شیوه کار این پژوهش قرار گرفته است. اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که حضور محمود گاوان گیلانی در دربار بهمنیان و پادشاهانی همچون احمد شاه بهمنی، محمد قطب شاه و علی عادل شاه در جذب این مهاجران به دکن نقش بسزایی داشته است.

کلیدواژه‌ها: گیلان، هند، مهاجران، دکن، محمود گاوان

Email: j.jafarpour@umz.ac.ir

۱- دکتری مردم شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

Email: Sasantahmasbi@pnu.ac.ir

۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۳

۱ مقدمه

با تشکیل دولت شیعی و سیاست های خاص پادشاهان صفوی شاهد موج جدیدی از مهاجرت ها به هند هستیم. دخالت این پادشاهان بخصوص شاه تهماسب و شاه عباس اول در نحوه اداره گیلان منجر به مهاجرت عده ای از علما و بزرگان گیلان به هند گردید. با اینکه دوران صفویه دوران ثبات و امنیت و رشد علم، دین، فرهنگ و تمدن در ایران بوده است، با این همه برخی نیز اوضاع و احوال حاکم بر دوران صفوی را نمی پسندیدند. این افراد اغلب مهاجرت های دسته جمعی به هند داشته اند. گاهی این مهاجرت ها ناشی از نارضایتی آنان از زندگی در ایران و گاهی به امید دست یافتن به زندگی بهتر در هند بوده است به عبارت دیگر شاید بتوان گفت که سبب این کوچ ها نوعی رانده شدن از سویی و خوانده شدن از سوی دیگر باشد. با توجه به رونق زبان و ادبیات فارسی در دربار پادشاهان مسلمان هند، از مهاجران ایرانی بخصوص شاعران فارسی زبان به گرمی استقبال می شد. با توجه به عنایت دربار گورکانیان به شاعران، نویسندگان و هنرمندان فارسی، گفته شده که جلال الدین اکبر حدود ۱۵۰ شاعر فارسی زبان در دربارش داشته است. البته مهاجران از دیگر طبقات اجتماعی ایران مانند صوفیه و عرفا نیز بوده اند (عادل، ۱۳۹۲، ۲).

سلاطین مسلمان، سلسله های بزرگی را در نقاط مختلف هند تشکیل دادند. مورخان ۳۲ سلسله حکومتی مسلمان را در هند برشمرده اند که تعدادی از آنان ایرانی بوده اند. بازرگانان، مردان حکومتی، سپاهیان، نظامیان، سپه سالاران، صدراعظم ها، امیران، والیان و سیاستمداران زیادی از ایران به هند کوچ نموده و در آنجا زندگی کردند؛ نام بسیاری از آنان در تاریخ ها ثبت شده است. بعلاوه پزشکان، فقیهان، قاضیان، دانشمندان، نویسندگان و هنرمندان نیز در طول یک تاریخ طولانی از ایران به هند رفتند. باید توجه داشت که مهاجرت ایرانیان به هند مهاجرتی سازنده بوده، نه ویرانگر. ایرانیان، برخلاف انگلیسی ها که در دوران استعمار به هند قدم نهادند، برای استعمار یا غارت هند و نابود کردن فرهنگ شبه قاره به آنجا نرفتند. آنان در همه شئون دینی، معنوی، علمی، فلسفی، فرهنگی و هنری به تمدن هند غنا بخشیدند. بخش مهمی که به جلوه ی حضور ایران در هند مربوط می شود، شعر و ادب، دین و مذهب، عرفان و تصوف، علم، معماری، نقاشی، خوشنویسی و موسیقی است که در این میان داد و ستدهای علمی یکی از مهمترین جلوه ارتباطی بوده که بین ایران و هند برقرار بوده است (سمیعی، ۱۳۹۲، ۹-۲۶). در سال ۱۳۹۲ پیرامون حضور مهاجران گیلانی در دربار مغولان هند مقاله ای توسط احمد سمیعی نوشته شده است، اما در این مقاله ایشان اشاره ای به مهاجران

گیلانی در دکن نکرده‌اند. لذا تحقیق حاضر تلاش دارد با معرفی مهاجران گیلانی به دکن کار ایشان را تکمیل نماید.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

سلاطین مسلمان، سلسله‌های بزرگی را در نقاط مختلف هند تشکیل دادند. مورخان ۳۲ سلسله حکومتی مسلمان را در هند برشمرده‌اند که تعدادی از آنان ایرانی بوده‌اند. بازرگانان، مردان حکومتی، سپاهیان، نظامیان، سپهسالاران، صدراعظم‌ها، امیران، والیان و سیاست‌مداران زیادی از ایران به هند کوچ نموده و در آنجا زندگی کردند، نام بسیاری از آنان در تاریخ‌ها ثبت شده است. بعلاوه پزشکان، فقیهان، قاضیان، دانشمندان، نویسندگان و هنرمندان نیز در طول یک تاریخ طولانی از ایران به هند رفتند. باید توجه داشت که مهاجرت ایرانیان به هند مهاجرتی سازنده بوده، نه ویرانگر. ایرانیان، برخلاف انگلیسی‌ها که در دوران استعمار به هند قدم نهادند، برای استعمار یا غارت هند و نابود کردن فرهنگ شبه قاره به آنجا نرفتند. آنان در همه شئون دینی، معنوی، علمی، فلسفی، فرهنگی و هنری به تمدن هند غنا بخشیدند. بخش مهمی که به جلوه حضور ایران در هند مربوط می‌شود، شعر و ادب، دین و مذهب، عرفان و تصوف، علم، معماری، نقاشی، خوشنویسی و موسیقی است که در این میان داد و ستدهای علمی یکی از مهمترین جلوه‌های ارتباطی بوده که بین ایران و هند برقرار شده است (سمیعی، ۱۳۹۲، ۹-۲۶). در این تحقیق مساله اصلی اینست که افراد مشهور گیلانی که در این دوره (قرن ۱۴ تا ۱۷) به هند مهاجرت کردند منشأ چه خدماتی بوده‌اند؟ در سال ۱۳۹۲ پیرامون حضور مهاجران گیلانی در دربار مغولان هند مقاله‌ای توسط احمد سمیعی نوشته شده است، اما در این مقاله اشاره‌ای به مهاجران گیلانی وجود ندارد. لذا تحقیق حاضر تلاش دارد با معرفی مهاجران گیلانی دکن کار ایشان را تکمیل نماید. در این راستا پاسخ به سوالات ذیل مورد نظر خواهد بود:

۱. چه گروه‌ها و افرادی از سرزمین گیلان به دکن مهاجرت کردند؟
۲. آیا محمود گاوان گیلانی در جذب مهاجران گیلانی به دکن نقش داشت؟
۳. در چه دوره‌ای میزان مهاجرت از گیلان به هند بیشتر بوده است؟
۴. مهاجران گیلانی چه نوع شغل‌هایی در هند داشته‌اند؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

در دوره صفوی و در زمان حکومت شاه طهماسب و شاه عباس اول، سرزمین گیلان دچار مشکلات بسیاری شد. بادستگیری و زندانی شدن خان احمد گیلانی، به عنوان مردی ادیب و عالم که دربار وی همیشه پذیرای تعداد زیادی از علما، شعرا و هنرمندان بود، شرایط اجتماعی و فرهنگی گیلان به گونه‌ای شد که علمای تحت حمایت وی با از دست دادن حامی خود، مجبور شدند راهی دربارهای پادشاهان مسلمان و فارسی زبان هند، که از نخبگان فارسی زبان به خصوص ایرانیان به گرمی استقبال می‌کردند، شوند. با توجه با اینکه در تحقیقات گذشته بطور خاص مهاجران گیلانی دکن مورد توجه قرار نگرفته‌اند. لذا این تحقیق بدنبال آنست که با شناسایی مهاجران گیلانی به دکن نقش گروه های مهاجر، خدمات آنها، نقش آنان در تحولات دکن بخصوص نقش محمود گاوآن را مورد نظر قرار دهد. مشخص نمودن جایگاه اجتماعی مهاجران گیلانی و اینکه در چه دوره‌ای مهاجرت به دکن بیشتر بوده از دیگر اهداف این پژوهش است.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده‌است. مبانی نظری تحقیق بوسیله مطالعه و حضور در میدان تحقیق و مشاهده مشارکتی، با ارائه سوالات و جمع آوری اسناد کتابخانه ای داخلی و خارجی و سفر محققان به جنوب هند و به کارگیری اسناد و مدارک با ارائه جداول تفکیک شده از اسامی مهاجران و تجزیه و تحلیل آنها مبنای روش اصلی این پژوهش قرار گرفته است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

مهاجرت و زندگی گروه های مختلفی که از ایران به هند رفته اند دستمایه تالیف بسیاری از کتابها و مقالات چه در داخل و چه در خارج از ایران شده است. گیلانی‌ها از جمله این مهاجران بودند که اطلاعات مربوط به آنها به صورت پراکنده در منابع مختلف نقل شده است. تذکره ها، کتب تاریخی، سفرنامه ها و منابع دیگری از این دست اشاراتی به این مهاجران داشته اند. کتاب تاریخ فرشته از جمله کتاب هایی است که در مورد ایرانیانی که در هند و دربار پادشاهان آن، مشغول خدمت بوده اند اطلاعات ذی قیمتی را ارائه می کند، در جلد سوم این کتاب آنجا که از حکومت های بهمینان، قطب شاهیان، عادل شاهیان و نظام شاهیان صحبت می کند، به تعدادی از مهاجران

گیلانی که در دکن و در خدمت این حکومت ها بودند، اشاره می کند. لطایف الخیال، میخانه، آتشکده و نصر آبادی از جمله تذکره هایی هستند که در آنها از مهاجران گیلانی در هند نام برده شده است. خزانه عامره که در سال ۱۱۷۶ توسط بلگرامی نویسنده مسلمان هندی به رشته تحریر درآمده تعداد ۱۳۵ شاعر پارسی گو را بررسی کرده است. شاگرد هندوی وی لچهمی ناراین متخلص به شفیق اورنگ آبادی نیز در اثر خود به نام "شام غریبان" تعداد ۴۷۴ شاعر ایرانی را که به هند مهاجرت کرده اند، مورد بررسی قرار داده است. در مورد مهاجران گیلانی در دکن به طور خاص کتاب یا مقاله ای را سراغ نداریم. ستوده تنها نویسنده ایرانی است که در رابطه با مهاجران گیلانی به هند مقاله ای را به رشته تحریر درآورده است که البته آن هم با وجود کار برجسته ایشان کامل نیست زیرا تنها به مهاجران گیلانی در دربار مغولان هند اشاره کرده و بجز یک نفر نامی از گیلانی هایی که در دکن بودند، نیاورده است. احمد گلچین معانی در کتاب کاروان هند با استفاده از تذکره ها و سایر منابع به بیش از هفتصد نفر از شاعران ایرانی اشاره کرده که به دلایل مختلف راهی هند شده بودند. به عده ای از شاعران گیلانی که راهی هند و از جمله دکن شده اند، در این کتاب اشاره شده است. آقا بزرگ طهرانی در جلد ۹ کتاب الذریعه التصانیف الشیعه ضمن برشماری دیوان های شعرای ایرانی به شعرای گیلانی مهاجر به هند نیز اشاره می کند. در فصلی از کتاب مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند شرح حال تعدادی از مهاجران ایرانی در فاصله قرن هشتم تا هجدهم میلادی آمده است. نرگس جابری نسب در مقاله ای پیرامون مهاجرت ایرانیان به هند به بعضی از مهاجران گیلانی اشاره می کند (جابری نسب، ۱۳۸۹، ۶۱). نویسنده ژاپنی ماساشی هاندا در نگاهی به مهاجران نخبه ایرانی به هند در اثنای قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی، به تحلیل کتاب "مآثر الامرا" پرداخته است.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- گیلانیان در هند

حضور بعضی از این مهاجران در رده های بالای حکومتی سبب می شد که شاهان هندی دیگر افراد مهاجر گیلانی را نیز در پستهای کلیدی منصوب کنند و حتی زمینه ی جذب گروه های مهاجر بیشتری از گیلان به سوی هند فراهم شود. در این میان حضور خواجه محمود گاوان گیلانی در منصب وزارت بهمنیان، مثال بسیار گویایی برای تایید این مسئله می باشد. از جمله شهرها و مناطقی که مهاجران در آنجا مقیم شدند، می توان به اینها اشاره کرد: اجمیر - آگره - احمد نگر ° اورنگ

آباد- برهانپور- بنارس- بنگاله(ناحیه ای در شمال شرقی هند)- بیجاپور- بیدر- تته(شهری در ۳۲۰ کیلومتری لاهور)- حیدر آباد- دهلی _ شاه جهان آباد- عظیم آباد- فتحور سیکری(شهری در مغرب اوتارپرادش)- کشمیر- گلکنده(در ۸ کیلو متری مغرب حیدر آباد)- لاهور ° ملتان (سمیعی گیلانی، ۱۳۹۲، ۲۶-۲۱). با توجه به تحقیقات انجام شده و بر اساس منابع مکتوب در دوران مهاجرت گیلانیان به هند و در راستای شناسایی آنان دو جدول(۱ و ۲) تهیه گردیده است که در این دو جدول اسامی مهاجران و سایر اطلاعات مربوطه به آنان گردآوری شده است. جدول اول مربوط به گیلانیان مهاجر در دوره گورکانیان هند و جدول دوم مربوط به مهاجران گیلانی به دکن می باشد. توضیح اینکه اسامی ۱ تا ۱۶ مهاجر گیلانی به هند که در لیست پایین آمده مربوط به مهاجران گیلانی دکن می باشد، که توسط سمیعی گرد آوری شده است و بقیه اسامی توسط پژوهشگران این مقاله فراهم گردیده است.

جدول ۱: گیلانیان مهاجر به شمال هند

نام	سال میلادی	دوره پادشاهی	شغل
سید ابدال گیلانی	۱۴	بهمیان	صوفی
سید ناصر گیلانی	۱۴	بهمیان	صوفی
سید یعقوب گیلانی	۱۵	قطب شاهیان- عادلشاهیان	صوفی
سید عبدالقادر گیلانی	۱۶	قطب شاهیان- عادلشاهیان	صوفی
سید ابی الحیات گیلانی	۱۶	قطب شاهیان- عادلشاهیان	صوفی
سید جمال‌الدین گیلانی	۱۶	قطب شاهیان- عادلشاهیان	صوفی
سید تاج‌الدین گیلانی	۱۶	قطب شاهیان- عادلشاهیان	صوفی
یحیی لاهیجی	۱۶	همایون	کتابدار-عارف
حکیم عبدالرزاق لاهیجی	۱۶	همایون	پزشک- شاعر
افضل بیگ لاهیجی	۱۶	همایون	شاعر
حکیم ابوالفتح گیلانی	۱۶	اکبرشاه	پزشک
دوایی گیلانی	۱۶	اکبرشاه	پزشک
حیاتی گیلانی	۱۶	اکبرشاه	شاعر- منصب دار- زرگر
نورالدین محمد قراری گیلانی	۱۶	اکبرشاه	کاتب ، خوشنویس، شاعر
میرزا صدرالدین بینا	۱۶	اکبرشاه	شاعر
حکیم نجیب‌الدین هماد گیلانی	۱۶	اکبرشاه	پزشک- منصب دار
حکیم نورالدین قراری	۱۶	اکبرشاه	نظامی و اداری
حکیم لطف الله	۱۶	اکبرشاه	پزشک
میر محمود گیلانی	۱۶	اکبرشاه	شاعر
مولانا مصطفی قدسی گیلانی	۱۶	اکبرشاه	فیلسوف و شاعر

پزشک	اکبرشاه	۱۶	حکیم الملک گیلانی
پزشک	اکبرشاه	۱۶	علی گیلانی
پزشک	اکبرشاه	۱۶	علی بن کمال‌الدین گیلانی
طیب و عالم دینی	اکبرشاه	۱۶	صدر الدین علی گیلانی
شاعر	اکبرشاه	۱۶	قبلی گیلانی
پزشک	اکبرشاه	۱۶	کمال الدین محمد گیلانی
پزشک	اکبرشاه	۱۶	محمد امین لاهیجی
شاعر	جهانگیر	۱۷	نادم گیلانی
موسیقی دان، پزشک	جهانگیر	۱۷	فغفور گیلانی
شاعر، فیلسوف	جهانگیر	۱۷	محمد علی حزین لاهیجی
نویسنده، خوشنویس	جهانگیر	۱۷	فایق لاهیجانی
شاعر، زرگر، خوشنویس	جهانگیر	۱۷	سعیدی گیلانی
شاعر	جهانگیر	۱۷	ندیم لاهیجی
شاعر	جهانگیر	۱۷	عرفی گیلانی
نویسنده، خوشنویس	جهانگیر	۱۷	فایق لاهیجانی
شاعر	جهانگیر	۱۷	مولانا حیات گیلانی
شاعر	جهانگیر	۱۷	مولانا احسانی گیلانی
شاعر - عالم	جهانگیر	۱۷	فایض گیلانی
شاعر	جهانگیر	۱۷	مصطفی خانی گیلانی
پزشک	جهانگیر	۱۷	فیضی گیلانی
عالم - حکیم	جهانگیر	۱۷	فانی گیلانی
شاعر	جهانگیر	۱۷	عشرتی گیلانی
پزشک	شاه جهان	۱۷	سید محمد رضی فاتح گیلانی
شاعر، نویسنده،	شاه جهان	۱۷	حاذق گیلانی
شاعر، بازرگان، نقاش سر داروغه	شاه جهان	۱۷	سعیدای گیلانی
پزشک	اورنگ زیب	۱۷	شمس الدین حکیم الملک گیلانی
ادیب و شاعر	اورنگ زیب	۱۷	میر محمد هاشم گیلانی جرات
شاعر	اورنگ زیب	۱۷	مخفی رشت
شاعر	اورنگ زیب	۱۷	محمد صالح رافع لاهیجانی
صوفی	اورنگ زیب	۱۷	سید عبدالله گیلانی
شاعر	بهادر شاه اول	۱۷	محمد انوار لاهیجی

ماخذ جدول: (سمیعی، ۱۳۹۲) و نویسندگان مقاله

۲-۲- مهاجران گیلانی در دکن

برای آشنایی با چگونگی حضور و تاثیر گذاری مهاجران گیلانی در منطقه دکن لازم است که ضمن شناسایی و معرفی این افراد روند شکل گیری این حضور و دیگر موضوعاتی که منجر به

صعود و افول موقعیت آنها در دربار سلاطین دکن شد، مورد بررسی قرار گیرد. در دربار سلاطین بهمنی و دیگر سلاطین دکن، بجز ایرانیان مهاجر، منابع آن دوره از گروه های مهاجر دیگری از جمله حبشیان، ترکان، یمنیان و... نام می برند. تعامل مهاجران گیلانی با دیگر ایرانیان مهاجر، بومیان دکن و مهاجران غیر ایرانی به هند از جمله مسائلی است که می بایست به آنها توجه کامل داشت. گروه های سیاسی حاضر، در دربار بهمنیان و بعدها در دولت های منشعب از بهمنیان، به دو گروه دکنی - حبشی و ترک - غریبان (ایرانی) تقسیم می شدند. رقابت های این دو گروه برای به دست گرفتن قدرت از یک طرف و نقش مهاجران گیلانی در این گروه بندی ها به ما کمک خواهد کرد تا بتوانیم تصویر بهتری از این مهاجران داشته باشیم. در ادامه خواهیم دید که این رقابت و دسته بندی ها در نهایت منجر به قتل بزرگترین و قدرتمندترین وزیر گیلانی دربار بهمنیان می شود که به نوبه خود تاثیر بسیار زیادی در تضعیف موقعیت مهاجران گیلانی در دکن داشت. با توجه به مهاجرت گیلانیان به دکن و اشتغال آنان در شغل های مختلف اداری، نظامی، سیاسی و شاعری در دربارهند، جدولی از این مهاجران و دوره آنها، تهیه شده است (جدول شماره ۲).

جدول ۲: گیلانیان مهاجر به دکن، ماخذ: نویسندگان مقاله

نام	سال میلادی	دوره پادشاهی	شغل
محمود گاوان گیلانی	۱۴	بهمنیان	بازرگان - وزیر - نویسنده
حکیم حسن گیلانی	۱۴	فیروز شاه بهمنی	معمار و مهندس
نظام الدین حسن گیلانی	۱۴	بهمنیان	خزانه دار محمود گاوان
اسد خان گیلانی	۱۴	بهمنیان	نظامی
میر رضی فاتح	۱۵	قطب شاهیان	درویش
حکیم عبدالجبار گیلانی	۱۵	قطب شاهیان	پزشک
سید حنیف گیلانی	۱۵	قطب شاهیان	عالم
عین الملک گیلانی	۱۵	عادلشاهیان	نظامی
قدسی گیلانی	۱۵	جهانگیر - نظامشاهیان	شاعر - عالم
بهادر خان گیلانی	۱۵	عادلشاهیان	افسر نظامی
خواجه شمس الدین گیلانی	۱۵	نظامشاهیان	تاجر
نجم الدین گیلانی	۱۵	بهمنیان	جاگیر دار
زین الدین علی تالشی	۱۵	بهمنیان	جاگیر دار
میرزا نظام الدین احمد گیلانی	۱۶	عبدا. قطب شاه	پزشک
ملا جمال الدین تجلی گیلانی	۱۶	عبدا. قطب شاه	شاعر - خوشنویس

۱-۲-۲- محمود گاوآن گیلانی

عماد الدین محمود گاوآن گیلانی در سال ۸۰۸ هجری در روستای گاوآن یا قواون در گیلان متولد شد. پدران وی از گذشته های دور، جزو فرامانروایان گیلان بوده اند. وی علوم و کمالات را در زادگاه خود گیلان فرا گرفت و هنگامی که به سن رشد رسید به دلیل توطئه و دسیسه چینی برخی امرای گیلان که علیه او در حال شکل گیری بود، به توصیه مادرش از گیلان خارج شد و پس از آن به خراسان و عراق رفته و در محضر بزرگان علم و ادب به فراگیری دانش پرداخت. محمود در نهایت شغل تجارت و بازرگانی را برگزید و چون به علم و دانش و استفاده از محضر علما و دانشمندان و اهل طریقت علاقه فراوان داشت در سال ۸۵۱ هجری در عهد سلطنت علاءالدین احمد شاه دوم (۸۶۲-۱۴۵۸/۸۳۹-۱۴۳۶) برای تجارت و در اصل جهت دیدار با علمای آن دیار و به خصوص دیدار با شاه محب الله، نوه شاه نعمت الله ولی، از طریق بنادر خلیج فارس به بندر دابول هند رفته از آنجا به شهر بیدر، پایتخت بهمنیان، وارد شد (فرشته، ۱۸۸۳ ج ۱، ۳۵۸). وی در آنجا پس از ملاقات با علما و مشایخ قصد داشت که به عراق سفر کند اما چون شخصیت علمی و فرهنگی او مورد توجه علاءالدین همایون قرار گرفت از خواجه درخواست شد که در هند بماند و به دربار بهمنیان خدمت کند. محمود پس از قبول درخواست سلطان بهمنی به سرعت در مناصب اداری و لشکری دربار بهمنیان راه ترقی را پیموده و از منصب هزاری (فرماندهی هزار نیروی نظامی) به مقام وزارت و وکالت امور شاهی رسید. در دوره همایون شاه بهمنی (۸۶۵-۸۶۲) وی با لقب ملک التجار به حکومت و سپهسالاری ولایت بیجاپور رسید و پس از مرگ همایون شاه و طبق وصیت او، وزارت پسرش نظام الدین احمد سوم بهمنی (۸۶۷-۸۶۵) به او واگذار گردید. سلطان شمس الدین محمد شاه سوم بهمنی (۸۸۷-۸۶۷) که پس از برادرش نظام الدین به قدرت رسید، به اشاره مادرش مخدومه جهان، القاب خواجه جهان و منصب امیر الامرا و وکالت امور شاهی را به وی داد و حتی غلام محمود گاوآن سوم به "خوش قدم" به "کشور خان" ملقب گردید. در نامه نگاری های رسمی از محمود گاوآن با عنوان "مخدومه جهانیان، معتمد درگاه سلطان، آصف جم نشان، امیرالامرا، ملک نایب مخدومه جهان" نام برده می شد (فرشته، ۱۸۸۳ ج ۲، ۴۳۳). در نتیجه موقعیت شاخص محمود گاوآن در دکن و وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین آشوبها و جنگ هایی که در گیلان رخ داد، سبب شد که تعداد زیادی از گیلانیان به خصوص نخبگان دست به مهاجرت زده راهی دیار هند شوند. این مهاجران به امید یافتن محلی امن و پناهگاهی مطمئن،

برای عرضه هنر و علم خود و یا دست یافتن به زندگی بهتر از گیلان راهی دیار هند شدند. از جانب دیگر حضور فردی همچون محمود گاوان به عنوان وزیر عالم و دانشمند گیلانی در دربار بهمنیان و علاقه وی در استفاده از ایرانیان به خصوص گیلانیان در دستگاه‌های حکومتی، زمینه مهاجرت تعداد دیگری از نخبگان گیلانی به سرزمین هند را فراهم آورد. این مهاجرت‌ها سبب شد که بخش زیادی از آثار شاعران و دانشمندان گیلانی، در این دوره به ثبت برسد. این مهاجران توانستند در حوزه‌های مختلفی مانند شعر و شاعری، منصب داری، وزارت، نویسندگی، پزشکی و... توان خود را در دستگاه شاهان هند نشان داده و آثار بسیاری به خصوص در زمینه های علمی و فرهنگی از خود به جای گذارند. متأسفانه افزایش قدرت محمود گاوان و ایرانیان حاضر در دربار بهمنیان منجر به توطئه و دسیسه چینی گروه مخالف در دربار بهمنی، یعنی گروه دکنی- حبشی، علیه محمود و ایرانیان شد و این گروه توانستند در نقشه ای از قبل طراحی شده، شاه را وادار به صدور حکم قتل محمود گاوان کرده و قدرت را به دست گیرند.

۲-۲-۲- خان احمد گیلانی حامی علما، شعرا و نویسندگان

وی در دوران حکومت خود در گیلان درباری خسروانه داشت و شاعران و نوازندگان و هنرمندان بسیاری از هر طرف به درگاه او روی می آوردند (نوایی، ۱۳۵۰، ۱۲۰/نوزاد، ۱۳۷۳، ۶۴). "گیلان در دوره شکوه و جلال خان احمد، از مراکز اجتماع شاعران و ادیبان و عالمان بود، لیکن چون او دوبار مقید و محبوس گردید، آن اجتماع ارزشمند دوبار دستخوش تفرقه شد و بعضی از آنان که در این جمع بودند ناگزیر به هندوستان پناه بردند" (صفا، ۱۳۷۳ ج ۵، بخش ۱، ۱۲۰). ظاهراً خان احمد خود نیز شعر می سرود و "احمد" تخلص می کرد (آذریبگدلی، ۱۳۳۸، بخش ۲، ۸۴۳).

۲-۲-۳- نظام الدین حسن گیلانی

نظام الدین از کسانی بود که از گیلان به دکن مهاجرت کرد و به خدمت محمود گاوان درآمد. با توجه به شایستگی اش، محمود وی را به عنوان خزانه دار خود برگزید و رسیدگی به امور مالی را به وی سپرد. پس از قتل محمود گاوان با توجه به گزارش هایی که دشمنان محمود به شاه داده بودند و ادعا کرده بودند که وی مبالغ هنگفتی را در خزانه خود جمع آوری کرده است، شاه به سراغ خزانه دار او یعنی نظام الدین رفت و از وی خواست تا اموال محمود گاوان را که در خزانه اش بود، در اختیار شاه قرار دهد. خزانه دار به شاه گفت: صاحب من دو خزانه داشت: یکی «خزانه

شاهی « بود که خرج اسب، فیل، مطبخ و سپاهیان از آنجا تهیه می شد. در آنجا هزار لاری (واحد پولی که در لار فارس ضرب می شد) و سه هزار هون (واحد پول قدیم هند) موجود است. خزانه دیگر به نام « خزانه درویشان » بود که صرف فقرا و مساکین می شد. در آن خزانه، هم اکنون یک کیسه به مبلغ سیصد لاری به مهر او موجود است. سلطان از پاسخ خزانه دار تعجب کرد و گفت: چگونه است که زندگی او مانند شاهان بود؟ آیا اموال وی همین مقدار است؟ خزانه چی گفت: هر گاه اموالی از جاگیر (منطقه ای که پادشاه به او می دهد) به او می رسید، خرج اسب و فیل و سپاهیان را جدا می کرد و بقیه را در راه خداوند صرف فقرا می نمود. همچنین اموال شخصی او چهل هزار لاری بود که از ایران با خود آورده بود. وی این مبلغ را سالانه صرف تجارت می کرد. فایده و درآمد حاصل از آن را در خزانه درویشان می گذاشت و برای مادر، خویشاوندان و مستمندان مناطق گوناگون (که با آنان آشنایی داشت) می فرستاد و تنها روزانه دوازده لاری را صرف هزینه شخصی خود می کرد. با توجه به اینکه دشمنان خواجه گفته بودند که او توسط قاصدی برای دشمن شاه نامه فرستاده و از او خواسته تا به سرزمین بهمنیان حمله کند، نظام الدین در همین مجلس از شاه می خواهد که در صورت درست بودن این جریان آن فرد را حاضر کرده و از او در این مورد سوال و جواب شود. ظاهراً شاه تصمیم داشت که اینکار را بکند، اما بنا به گفته نویسنده تاریخ فرشته گروه مخالف و عوامل قتل خواجه با تهدید شاه، مانع از انجام این کار شدند (فرشته، ۱۸۸۳ ج ۱، ۳۵۹).

۴-۲-۲-۴- خواجه نجم الدین گیلانی

خواجه نجم الدین گیلانی از شناخته شده ترین مهاجران گیلانی به هند در قرن ۱۵ میلادی و فردی عادل و منصف بود که پس از مهاجرت به هند به خدمت بهمنیان درآمد. سلطان محمود شاه بهمنی بندری به اسم "کوه" به عنوان جاگیر (اقطاع) به کشور خان، غلام محمود گاو، اعطا می کند. کشور خان نجم الدین را مامور می کند که از طرف او جاگیردار این منطقه شود (فرشته، ۱۸۸۳ ج ۲، ۴۳۳).

۴-۲-۲-۵- بهادر خان گیلانی

نوکر و خدمتگزار نجم الدین گیلانی بود که پس از مرگ نجم الدین جاگیردار بندر "کوه" شد. او پس از مرگ نجم الدین مناطق زیادی را در اطراف کوه به تصرف خود در آورد و عملاً در مقابل بهمنیان دست به شورش زد. در این شورش تعداد زیادی از گیلانیان نیز با او همراه بودند (Shyam1966, 426).

۶-۲-۲-زین الدین علی تالشی

او جاگیر دار منطقه "جاگنه" بود که پس از قتل محمود گاوآن سر از اطاعت ملک احمد پسر نظام الملک (عامل اصلی قتل گاوآن) بر می دارد. هنگامی که ملک احمد تصمیم می گیرد که او را سرکوب کند، زین الدین از عادل خان پسر خوانده محمود گاوآن و حاکم بیجاپور در خواست کمک می کند و عادل خان در حمایت از او ۵۰۰۰ هزار نیروی نظامی به منطقه جاگنه اعزام می نماید. ظاهراً بعد از مرگ محمود گاوآن، همه این افراد به صورت شبکه ای در ارتباط با هم هستند. در دوره محمود شاه بهمنی نیز به علت مهاجرت ایرانیان به احمد آباد بیدر و حمایت شاه از ایرانیان، آن ناحیه به صورت مکانی امن برای ایرانیان در می آید (فرشته ۱۸۸۳ ج ۲: ۴۷۸).

۷-۲-۲-سید حنیف گیلانی (تاج بخش)

در میان مهاجران گیلانی جدای از شعرا و نویسندگان، به افرادی بر می خوریم که در دربار بهمنیان جایگاه ممتاز و ویژه ای داشتند از میان آنان علما و سادات برجسته تر بودند. نقل شده که به هنگام تاج گذاری علاءالدین احمد دوم (۸۳۸-۸۶۲ ق) دو تن از سادات او را همراهی می کردند که پس از تاج گذاری به وی تبریک گفتند به گزارش طباطبائی در این مراسم علاءالدین شاه خلیل ... در دست راست او و سید حنیف گیلانی در دست چپ او قرار داشتند (طباطبائی، ۱۳۵۵ ق، ۷۵).

۸-۲-۲-تجلی گیلانی

مولانا تجلی از شعرای گیلان که اصل وی از رودسر و فرزند یکی از علمای گیلان به نام ملا سلیمان بود. او در ایام جوانی با نام جمالی تخلص می کرد. در فسا و ایبورد به خدمت سلطان استاجلو حاکم این مناطق در آمد. وی در سال ۱۰۱۵ اعزام هند شد و در هند تخلص خود را به خاوری تبدیل کرد. در سال ۱۰۲۴ ساکن گلکنده و حیدرآباد شد. وی در آن جا تجلی تخلص می کرد. او علاوه بر شاعری در خوشنویسی هم تبحر داشت و خط شکسته را به خوبی می نوشت. وی مدتی در برهانپور و قنوج در خدمت سپهسالار خان خانان بود و قصیده ای در وصف برهانپور سرود و به سال ۱۰۲۲ اجازه سفر به حجاز و کربلا را گرفت (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ۲۰۷).

صفوی در هم پیچیده شد و یک بحران اجتماعی در گیلان به وجود آمد، نظام الدین تصمیم گرفت از گیلان به هند مهاجرت کند و راه هند را در پیش گرفت. او به عنوان پزشکی حاذق به خدمت سلطان عبدا... قطب شاه درآمد و آثار و تالیفات زیادی در زمینه‌های مختلف از خود به جا گذاشت اما آنچه که سبب شهرت او شد و تاکنون نیز در محافل علمی جهان از او یاد می‌شود، تخصص او در زمینه پزشکی و شناخت داروها می‌باشد. یکی از آثار مشهور او "اسرار الاطباء" در شناخت داروها است که به زبان فارسی بنام سلطان عبدا.. تالیف شده است (علی نژاد، ۱۳۸۷، ۱۲۷). علاوه بر پزشکی، او یک کارشناس خبره در معماری و طراحی شهری بود. در دوره عبدالله قطب شاه در شهر حیدر آباد مکانی ساخت که امروز بنام "حکیم پت" معروف است. ضمناً در شمال قلعه گلکنده در شهر حیدر آباد در بالای کوه قلعه ای ساخت که معروف به جبل النور می‌باشد، معماری قلعه ترکیبی از معماری هندی و ایرانی است (Kirmani, 2004, 24).

۱۳-۲-۲- خواجه شمس الدین گیلانی

خواجه شمس الدین از تاجران گیلانی مهاجر به هندوستان است که به خدمت نظامشاهیان احمدنگر درآمد و در دوره حسین نظامشاه جزو ملازمان اسدخان لاری از فرماندهان نظامی این سلسله شد. پس از مرگ اسد خان تمام ثروت او به خواجه رسید (معانی، ۱۳، ۱۳۶۹). او در سواحل جنوب هند در منطقه کنتور به تجارت اشتغال داشت و در دهه ۱۵۴۰ میلادی رهبر جمعیت مسلمانان در این منطقه شد (Subrahmanyam, 2012, 242).

۱۴-۲-۲- میر رضی فاتح

درویشی صاحب دل که که از گیلان به اصفهان رفت. وی مدتی در اصفهان به سر برد و از آنجا عازم هند شد. مدتی در دکن زندگی کرد اما قصد بازگشت به ایران کرد که در راه بازگشت به دست راهزنان کشته شد (Sherwani, 1974, 211).

۱۵-۲-۲- عین الملک گیلانی

عین الملک پس از مهاجرت به هند نخست به احمد نگر رفته به خدمت نظامشاهیان درمی‌آید. در دربار حسین نظامشاه صاحب جاه و منزلت شده و شاه همراه با لقب صیف خان، منصب جاگیرداری نیز به او اعطا می‌کند. پس از چندی عین الملک به دلایلی دربار نظامشاهیان را رها کرده به خدمت عادلشاهیان بیجاپور در می‌آید. وی که یکی از فرماندهان برجسته نظامی بود و در

دربار عادلشاهیان نیز از طرف سلطان ابراهیم منصب جاگرداری به او اعطا شده بود، فرماندار شهر "ستاره" در شمال غربی بیجاپور می شود اما پس از مدتی رابطه اش با سلطان تیره گشته و در نهایت منجر به درگیری مسلحانه میان او و سپاهیان ابراهیم عادل شاه می شود. او خدمت ابراهیم عادلشاه را رها کرده به همراه ۴۰۰۰ نفر از سواره نظام عادلشاهی به راما رایا پادشاه ویجایانگر، که دشمن عادلشاهیان بود، می پیوندد. خدمات او به پادشاه هندوی ویجایانگر آنقدر برجسته بود که شاه به او لقب برادر می دهد (Briggs.1910.381).

جدول ۳: درصد مهاجرت گیلانیان به دکن در فاصله قرون ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ میلادی

به میلادی	فراوانی	درصد
۱۴	۵	۳.۳۳
۱۵	۸	۳.۵۳
۱۶	۲	۳.۱۳
جمع کل	۱۵	۱۰۰

نتیجه

در این پژوهش سعی شد که با توجه به مقاله احمد سمیعی و سایر منابع در رابطه با مهاجران گیلانی به هند با آوردن اسامی، دوره تاریخی و مشاغل آنها، دو جدول کامل تهیه شود که جدول اول مربوط است به مهاجران گیلانی به شمال و بخصوص دربار مغولان هند و جدول دوم اختصاص به مهاجران گیلانی به دکن در جنوب هند دارد. با تجزیه و تحلیل جداول مربوط به مهاجران گیلانی می توان نتیجه گیری کرد که بیشترین مهاجرت های گیلانیان در قرن ۱۶ میلادی بوده و در دوره پادشاهی اکبر شاه و بعد از آن در قرن ۱۷ در دوره جهانگیر شاه، شاه جهان و اورنگ زیب می باشد. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره (۲) یعنی مهاجرت گیلانیان به دکن در متن، ۳۳,۳ درصد از مهاجران در قرن ۱۴ میلادی و ۵۳,۳ درصد در قرن ۱۵، و ۱۳,۳ درصد در قرن ۱۶ به دکن مهاجرت کرده اند، که با نگاهی به جدول بیشترین مهاجرت ها به دکن در قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی، یعنی در دوره بهمنیان، قطب شاهیان، عادلشاهیان و نظامشاهیان می باشد. همچنین با توجه به این اطلاعات می توانیم بگوییم دوره قدرت شیعیان ایرانی در دکن و حمایت افرادی چون محمود

گاوان از گیلانیان و پادشاهانی چون احمد شاه بهمنی، محمد قطب شاه، و علی عادل شاه باعث جذب بیشتر گیلانیان به دکن هند می باشد. در رابطه با جایگاه مهاجران گیلانی به دکن نتایج جدول شماره ۲ نشان می دهد که بیشتر این مهاجران در شغل های اداری، نظامی، پزشکی، شعر و هنر فعالیت داشتند. در انتها می توان گفت این پژوهش توانسته است در کنار کار تحقیقی احمد سمیعی ۳۷ نفر از مهاجران گیلانی به شمال را مورد شناسایی قرار داده و بعلاوه ۱۵ نفر از مهاجران گیلانی به دکن را نیز معرفی نماید.

منابع

- ۱- آذر بیگدلی، آتشکده (بخش دوم)، با تصحیح و حواشی سید حسن سادات ناصری، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۳۸
- ۲- جابری نسب، نرگس. مهاجرت ایرانیان به هند دانشگاه سیستان و بلوچستان، فصلنامه مطالعات شبه قاره، شماره ۱ صص: ۶۱ - ۱۳۸۹، ۵۲۵
- ۳- حدّاد عادل، غلامعلی. فرهنگ ایران و تأثیر آن در شبه قاره هند، یکشنبه، ۲۰ بهمن ۱۳۹۲.
- ۴- ساعدی شیرازی، میرزا نظام الدین احمد ابن عبدالله، حدیقه السلاطین، تصحیح و تحشیه سید علی اصغر بلگرامی، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۱ م.
- ۵- سمیعی گیلانی، احمد، گیلانیان مهاجر به دربار هند، ویژه نامه فرهنگستان (شبه قاره) سال اول فروردین شماره ۱، ۱۳۹۲.
- ۶- طباطبا، علی بن عزیزالله، برهان مآثر، دهلی، طبع جامعه دهلی، ۱۳۵۵.
- ۷- صفا، دکتر ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، چ دهم، ۱۳۷۳.
- ۸- علی نژاد، رقیه، پیشینیان فرهیخته: نظام ادلین گیلانی، کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۱۰۴، ص ۱۳۷۸، ۲۴.
- ۹- فرشته، محمد قاسم هندوشاه، گلشن ابراهیمی (تاریخ فرشته)، بی جا، کانپور. ۱۸۸۳ میلادی.
- ۱۰- قنبری، محمد رضا، مروری بر حضور ایرانیان و نفوذ زبان فارسی در حکومت بهمنیان <http://parshistory.blogfa.com/post> ۱۳۹۰.

- ۱۱- گاوان، خواجه عمادالدین محمود، **ریاض الانشاء**، به اهتمام غلام یزدانی، حیدرآباد دکن، بی نا. ۱۹۴۸.
- ۱۲- گاوان، خواجه عمادالدین محمود، **مناظر الانشاء**، مصحح: معصومه معدن کهن ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۲۰۰۲.
- ۱۳- گلچین معانی، احمد، **کاروان هند مشهد آستان قدس رضوی**. ۱۳۶۹.
- ۱۴- نوایی، عبدالحسین، **شاه تهماسب صفوی** (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی، همراه با یادداشت های تفضیلی)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۵۰.
- ۱۵- نوزاد، فریدون، **نامه های خان احمد خان گیلانی**، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار. ۱۳۷۳.
- ۱۶- هالیستر، جان نورمن، **تشیع در هند ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۳.

17-Alexander, J. P. "Decisive Battles, Strategic Leaders". Partridge Publishing. 2014.

18-Briggs, Jhon. "History of the rise of the Mahomedan power in India till the year A.D". 1612, Vol 3, Oriental Book, London, 1910.

19-Kirmani, M. Z, Sing, N.K. "Encyclopaedia of Islamic Science and Scientists": A-H, New Delhi. 2004.

20-Sherwani, H. K. "cultural Influences under Ahmad Shah Wali Bahmani", Islamic Culture, 1944

21-Subrahmanyam, Sanjay. "The Portuguese empire in Asia , 1500-1700: a political and economic history". John Wiley & Sons, 2012.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی